

یار در خانه

یار در خانه؛ گذری بر بود و نبود
تاریخ گرافیک در ایران

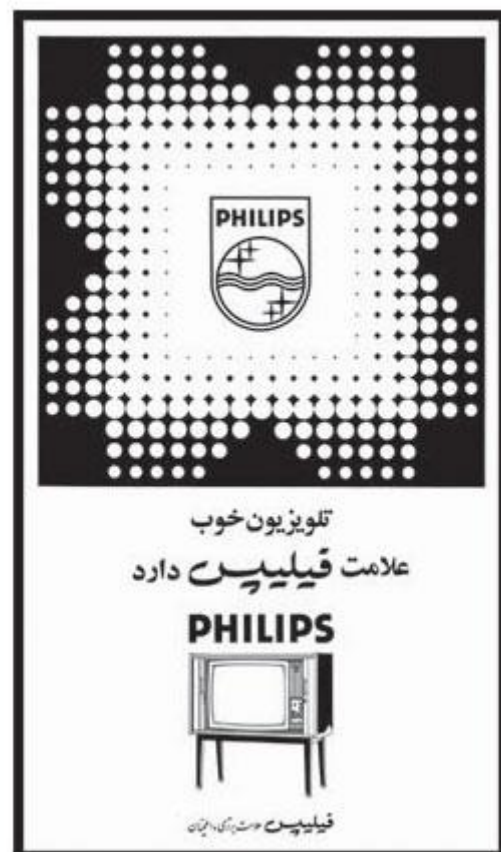
آرش تنهایی

می گوید گرافیک ما تاریخی ندارد
می گویم ما حافظه تاریخی نداریم
می گوید گرافیک ما وارداتی است
می گویم تخت جمشید هم وارداتی است
می گوید ...

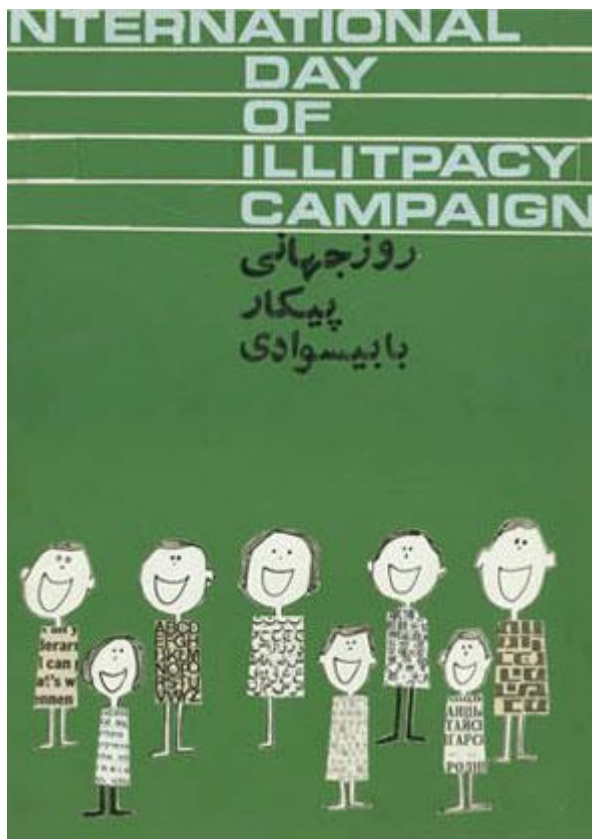
خنده ام می گیرد به یاد حرفی از شاملو می افتم که می گفت شبیه این است که بگویم مرلین مونرو بازیگر هالیوود غلامی است سیه چرده .
فکر می کنم و می گویم تا کی باید ما توضیح واضحات بدهیم و بر چیز های واضح و مبرهن دلیل اقامه کنیم ، اما انگار باید دلیل اقامه کرد.



از قدیمی ترین نمونه های پوستر های ایرانی مربوط به دوره قاجار.
اکنون در موزه دانشگاه ماسچوست نگهداری می شود



آرت ورک آگهی تبلیغاتی فلیپس/ دهه چهل/ طراح ناشناس



آرت ورک پوستر/ دهه چهل/ عباس کیارستمی



آرت ورک اگهی براون/ دهه چهل/ طراح احتمالاً پرویز ایزد پناه

برخی از هنرهای که امروز در جامعه جریان و حیات دارند ، هنرهای هستند که بر اثر مبادلات فرهنگی ایران و غرب وارد این سرزمین شده و ریشه دوانیده اند ، گرچه در برخی مصرف کننده مواد و فناوری غربی بوده ایم اما در اثر فرهنگ ایرانی رنگ و بوی ایرانی به خود گرفته اند ، عکاسی و سینما از این جمله اند ، اما هنرهای نیز بوده اند که به شکل و شمابلی دیگر در این خاک ریشه داشته اند ، چون تئاتر که ریشه های آن را می توان در ؛ نمایشهای سنتی چون تعزیه ، بقال بازی ، خیمه شب بازی بر شمرد و گرافیک که می توان ریشه هایش را در ، سنت برجسته کتاب آرایی (نگارگری ، تذهیب ، تشعیر ، وراقی ، جلد سازی) و دیگر هنرهای بومی چون عیدی سازی ، چاپ های دستی جستجو کرد اما در این میان به زعم کم توجهی عمومی جامعه به پژوهش و تاریخ نگاری ، هنرمندان و صاحب نظران عرصه های عکاسی، تئاتر، سینما و انیمیشن کوشیده اند ؛ نیاز علاقه مندان و دوستداران خود را به تاریخ و گذشته هنر خویش در غالب کتب و مقالاتی چند بر آورده کنند(۱). در این میان سهم گرافیک بسیار اندک است ، جز تلاش عده ای انگشت شمار(۲) ، این عرصه بس خالی می نماید . اما جای تاسف است که بخشی از طراحان و جامعه گرافیک نه تنها پذیرنده این ضعف نیستند بلکه آن را به نداشتن تاریخ و پیشینه ی گرافیک در ایران نسبت می دهند . در دنیای امروز که هر کشور و قومی تلاش می کند از کمترین بضاعت ها برای خود تاریخی درخشان مهیا کند . ما دریچه چشمهایمان را به یار در خانه بسته ایم و گرد جهان سرگردانیم و نمی پذیریم که گرافیک ما برای خود تاریخی دارد ، یا نمی دانیم و یا به تظاهر تزویر می کنیم (۳) .



پوستر تاتر/ عباس سارنج



پوستر جشن طوس/ علی اصغر محتاج



پوستر اپرا/ صادق بیرانی

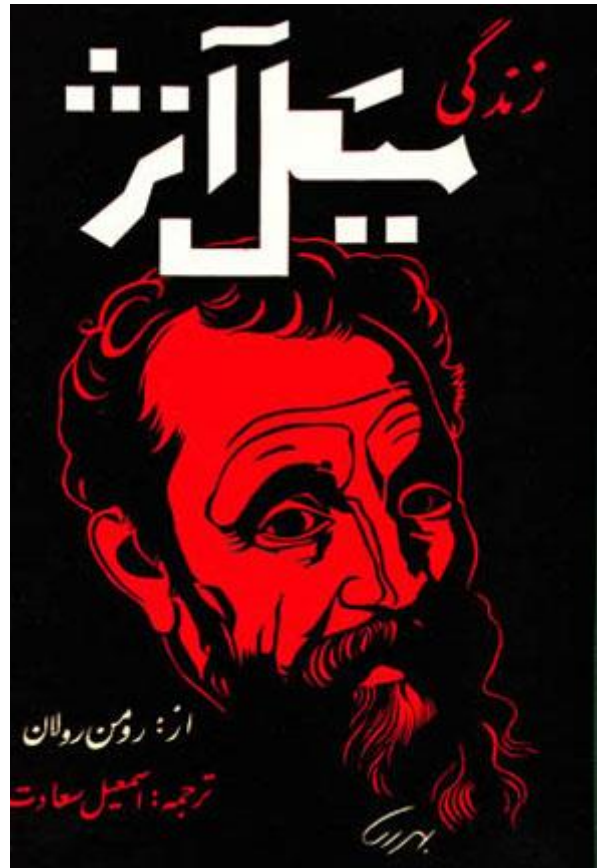


پوستر تئاتر تریز/ دهه بیست

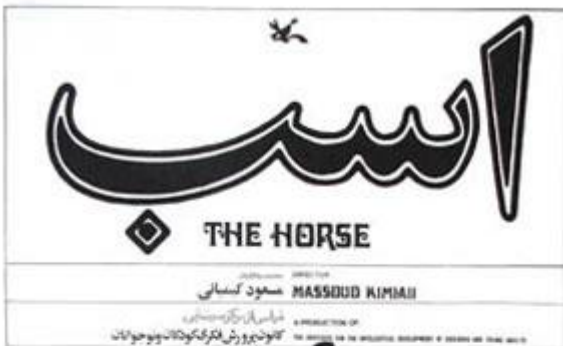
در بیش از صد و پنجاه سال پیش میرزا فتحعلی آخوند زاده (۱۱۹۰- ۱۲۵۷ ه ش) بر اثر تحصیل زبان، آشنایی و ترجمه ی آثاری از شکسپیر و مولیر؛ اولین نمایشنامه را در خاور میانه می نویسد، منظور اینکه از عمر تئاتر در ایران بیش از دو قرن نمی گذرد (۴). اوانس اوگانینس آبی و رابی را در ۱۳۰۹ می سازد، و با احتساب اولین فیلمهایی که میرزا ابراهیم خان عکاسیاشی از از دربار قاجار گرفته بیش از صد سال از عمر سینما نیز نمی گذرد. همچنین عکاسی پویا نمایی و دیگر هنرهایی که بر اثر ارتباط با غرب وارد ایران شده اند. حال اگر ما نیز تاریخ گرافیک را بر پایه چاپ و انتشار و ورود ماشین چاپ به ایران فرض کنیم و پیشینه کهن تصویر سازی، کتاب آرابی، مهر سازی، طراحی نقوش، چاپ پارچه و عیدی سازی را نیز نادیده بگیریم و در شمار نیاوریم، (این درست زمانی است میرزا حسن خان غفاری " صنیع الملک " روزنامه دولت علیه ایران را طراحی می کند) پس گرافیک لا اقل عمری هموار با تئاتر، عکاسی، سینما و دارد. اما باور نادرست در سالهای دور آن را حقیر شمرده و آن را نفاس تبلیغاتی، تبلیغاتی نام نهاده و در ارج نهادن و نادیده گرفتن تاریخ آن همت گمارده است امروزه حر فهای مشابه را بارها از طراحان گرافیک به کررات شنیده ایم که گرافیک را دسته بندی می کنند گروهی را هنرمند و گروهی بازاری می شمردند، بارها شنیده ایم می گویند پوستر تئاتر- که قدیمی ترین پوستر های ایران را شامل می شود - تاریخی ندارد، پوستر های سینما را طراح طراحی نمی کرد، طراحی حروف نداریم، پژوهشگر نداریم، پوستر سیاسی نداریم و در نتیجه ی همه این حرفها گرافیک ما تاریخی ندارد هفتاد سال است و الی آخر " نمی دانم این نداشته ها چه سودی برای چه کسی دارد؟ احتمالاً پس از این نداشته ها صاحب قول خود را اولین، در رشته و گرایش خود معرفی می کند و یا آیه یاس می خواند، نمی دانم چرا علاقه داریم خود را اولین فاتح قله دماوند، اولین خواننده کتابهای چخوف و یا اولین کسی بدانیم که حروف را کشید یا از نستعلیق در گرافیک استفاده کرد، این اولین بودن ها کدام مدال افتخار را بر سینه مان نصب می کند که گذشته تاریخی خود را انکار می کنیم.



پوستر برای انقلاب/ علیرضا عمومی



طرح جلد کتاب/ دهه سی/ محمد بهرامی



پوستر فیلم/ علی اکبر صادقی



پوستر موسیقی/ قباد شیوا

هنگامی که هر تاریخ نگار اولین گامها را بر می دارد خود را نیازمند ابزار و مصالحی می بیند که اساسی ترین آنها بقایای مادی ، آثار ، نوشته ها و گفته هایی است که از گذشته به یادگار مانده اند ، از این رو است که تاریخ نگار می کوشد با کاوش از هر شی و بازمانده ای برای کشف حقیقت استفاده کند از اشیا موجود در موزه ها ، بنا های تاریخی ، متون منتشر شده ، دست نویس ها و نقل قول های سینه به سینه و دیگر منابع استفاده کند ، شاید که به حقیقت ره یابد از افسانه بگریزد ؛ مسلما این شیوه را برای درک و ثبت تاریخ گرافیک نیز می توان به کار گرفت ، اما باید شتاب کرد از این رو که اسناد این عرصه در حال از بین رفتن هستند از آنجایی که شاید در نگاه اول ارزش مادی نداشته باشند ، هیچ ارگان سازمان یا نهادی این آثار را مصداق میراث فرهنگی نمی داند ، در کمتر کتابخانه یا مرکز اسنادی آرشیو پوستر یا سند های تصویری وجود دارد ، چه رسد به نگهداری و حفظ art work ، بسته بندی و تبلیغات ، از این رو این میراث موجب بی مهری مسئولان و صاحبان آثار قرار می گیرد ، از یک سو باید حق داد ؛ از آن جهت که اطلاع رسانی در این عرصه انجام نداده ایم و باید شتاب کرد در مواردی که احتمال از بین رفتن و نابودی آنان وجود دارد ، شتاب دیگری نیز لازم است از آن جهت است که نسلا از پس هم می آیند و می روند از مرگ گریزی نیست طراحان گرافیک نیز از این قاعده مستثنی نیستند ، و چون انگشت شمارند آنهایی که خاطرات خود را ثبت و تاریخ فعالیت های هنری خود را مکتوب کرده اند وظیفه نسل های امروز از است که نقل قول ها و روایات شفاهی را از سینه هایی که هنوز تهنه اند دریافت و ثبت کند . با این وصف هرچه تاریخ نگاری ها بر مستندات عینی و بازمانده های آثار استوار باشد ، ارجاع به چنین تصاویر و اسنادی بر قوت اثر پژوهشی می افزاید . اهمیت دیگر حفظ و نگهداری آثار مرتبط با گرافیک ، هر چند نگهداری سند های فرهنگی مرز نمی شناسد در این است که زیر شاخه های گرافیک چون پوستر هایی سینمایی ، تئاتر ، موسیقی علاوه بر اینکه تاریخ گرافیک هستند بخش انکارنا پذیری از تاریخ سینما تئاتر و موسیقی کشور نیز به شمار می آیند از این رو تلاش ها و پژوهش هایی از این دست عرصه را برای پژوهشگران سایر رشته ها سهل تر می کند .

اگرچه تلاش انجمن و کمیته موزه در گردآوری این آثار و برگزاری نمایشگاه از آن به تنهایی نمی تواند حافظ و نگهدارنده این میراث گرانبها باشد اما به هر تقدیر جای قدر دانی و مباحث دارد ؛ تلاشی که با حضور داوطلبانه جمعی از طراحان گرافیک آغاز شده و در مسیر صواب قدم بر می دارد تنها می تواند ناجی بخش کوچکی از انبوه تولیدات گرافیک یک کشور باشد . و حفظ این میراث فرهنگی وظیفه ای است همگانی و عزم و حمایتی ملی را می طلبد که با تمام تلاش دوستان از بصاعت و توان یک انجمن خارج است، شاید اگر ضرورت و نیاز این مهم برای مسئولان دلسوز شرح داده شود ، تلاشی برای حفظ و نگهداری این گنجینه فرهنگ تصویری نموده ، نام نیکی از خود به یادگار بگذارند و امیدوار باشیم شاید روزگاری بر پایه ی این اسناد و آثار تاریخ گرافیک ایران نگاشته شود .

۱. می توان به تلاشهایی چون " بنیاد نمایش در ایران " دکتر ابولقاسم جنتی عطایی ، " تاریخ تئاتر در ایران " جمشید ملک پور " نمایش در ایران " بهرام بیضایی در زمینه تئاتر ؛ در گردآوری تاریخ تئاتر ، در آثار یحیی ذکا ، جلال ستاری، رضا شیخ و دیگران در تاریخ عکاسی و " تاریخچه انیمیشن در ایران " مهین جواهریان اشاره کرد و تاسف خورد از اینکه جای چنین اثری هنوز در تاریخ گرافیک ایران خالی است . ۲. باید به تلاشهای حسین جتعی اشاره کرد از جمله مقدمه کتاب " گرافیک ایران ۱ . نشر داروگ . ۱۳۸۰ " و مرتضی ممیز . Graphic art in iran شورای عالی فرهنگ هنر . ۱۳۵۳ . ۳. اری من با دهان حسرت گفتم : ای پاره ای پاره / ای خلاق مستبد و منگ / یا به تظاهر تزویر میکنید قسمتی از شعر احمد شاملو ۴. وقتی سخن از تئاتر به میان می آید مراد شکل امروزی و اقتباس شده ان از یونان و روم است ، و اطلاق این شکل های سنتی نمایش در ایران همچون تعزیه و ... درست نمی نماید .

پنجشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۸